



تقدم معرفت‌شناسی بر هستی‌شناسی در اندیشه علامه مصباح‌یزدی

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه بیان کرد: تمام نظریه‌های علوم اجتماعی، مبتنی بر این سؤال هستند که هستی انسان و جامعه چیست...

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه بیان کرد: تمام نظریه‌های علوم اجتماعی، مبتنی بر این سؤال هستند که هستی انسان و جامعه چیست و هستی‌شناسی انسان و جامعه هم مبتنی بر مسائل هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی است اما در باب اینکه آیا هستی‌شناسی مقدم است یا معرفت‌شناسی، استاد مصباح معتقد بود که معرفت‌شناسی مقدم است و این مباحث مانند علیت و ... در تبیین هستی‌شناسی انسان و جامعه مؤثر است.

به گزارش ایکننا، همایش ملی «علامه مصباح یزدی، فیلسوف علوم اجتماعی اسلامی»، شب گذشته سوم آذر به همت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و با سخنرانی جمعی از اندیشمندان برگزار شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه، معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی و رئیس سابق مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در این همایش بیان کرد: موضوع علوم اجتماعی، جامعه و انسان است. پیش از اینکه جامعه شناس یا روانشناس یا علم مدیریت و ... در مورد احکام و عوارض جامعه و انسان سخن بگوید، سؤال مهمی در مورد هستی‌شناسی جامعه و انسان مطرح می‌شود و تا پاسخ به این هستی‌شناسی داده نشود، نمی‌توانیم نظریه‌ای در مورد قراردادهای اجتماعی بدهیم و نظریه نسبت ساختار و کارگزار و ... مطرح شود. تقدم معرفت‌شناسی بر هستی‌شناسی در اندیشه آیت الله مصباح

وی تصریح کرد: تمام نظریه‌های علوم اجتماعی، مبتنی بر این سؤال هستند که هستی انسان و جامعه چیست و هستی‌شناسی انسان و جامعه هم مبتنی بر مسائل هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی است. سؤال از خود هستی و معرفت است. در باب اینکه آیا هستی‌شناسی مقدم است یا معرفت‌شناسی، استاد مصباح معتقد بود که معرفت‌شناسی مقدم است و این مباحث مانند علیت و ... در تبیین هستی‌شناسی انسان و جامعه مؤثر است. پس مباحث معرفت‌شناسی بر هستی‌شناسی انسان و جامعه مؤثر است و هستی‌شناسی انسان و جامعه نیز بر نظریه‌های علوم اجتماعی مؤثر است.

خسروپناه گفت: از این رو استاد مصباح بحث مفصلی در مورد انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی دارند. هرچند هر دو جریان فلسفه تحلیلی و قاره‌ای در غرب، متافیزیک را کنار گذاشتند اما فلسفه تحلیلی در این دو یا سه دهه دوباره به متافیزیک بازگشت پیدا کرده است و بحث‌های علیت و ذات‌گرایی جریان یافته است؛ یعنی وقتی فلاسفه تحلیلی وارد مباحث فلسفه علوم اجتماعی می‌شوند، متوقف بر بحث‌های متافیزیک است. امروز فلسفه تحلیلی دغدغه‌هایی جدی در مباحث متافیزیک دارد که منتقد نسبی‌گرایی است و قائل به رئالیسم اند و پیوند با علوم اجتماعی پیدا کرده است.

وی ادامه داد: کاری که استاد مصباح در علوم اجتماعی کرد، این بود که این مباحث را مبتنی بر مباحث جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن مطرح کرد که مبتنی بر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است که در آموزش فلسفه یا شروحاتی که بر اسفار داشتند این را مطرح کردند؛ لذا بسته معرفتی به هم مرتبط است.

در بخش دیگری از این مراسم، حجت‌الاسلام مجتبی مصباح به ارائه توضیحاتی در زمینه فلسفه علوم اجتماعی از دیدگاه آیت‌الله مصباح پرداخت و بیان کرد: به نکته‌ای اشاره می‌کنم که آیت‌الله مصباح، سال آخر عمرشان در یک جلسه‌ای که خدمتشان بودم مطرح کردند و فرمودند که جا دارد در این مورد رساله‌ای هم نوشته شود. استاد در کتاب آموزش فلسفه، به معانی مختلف اعتبار اشاره دارند و می‌گویند: اعتبار را به چند معنا به کار می‌بریم؛ گاهی منظور ما اعتبار مقابل حقیقت به معنای مجاز است؛ یعنی اعتباری است و حقیقی نیست. گاهی اعتبار گفته می‌شود در بحث اصالت وجود و اعتباریت ماهیت که می‌گویند: آنجا هم معنای خاصی دارد و این را به تفصیل در اصالت وجود توضیح می‌دهند. یک معنای اعتبار هم در مورد معقولات ثانیه به کار می‌رود؛ مثلاً این مفهوم اعتباری است در مقابل مفهوم ماهوی؛ یعنی مفاهیم ماهوی را از مفاهیم اعتباری جدا می‌کنیم که آنجا اعتبار یعنی این مفهوم مابه‌ازای عینی مستقلی ندارد؛ هرچند منشأ انتزاع آن واقعی است.

وی تصریح کرد: ظاهر بحث این است که این سه معنای اعتبار در عرض هم هستند؛ یعنی سه اصطلاح و معنای مختلف برای اعتبار است. علامه طباطبایی هم در جایی که بحث اعتباریات را دارند شبیه این تذکر را دارند و میان اعتباری که در مورد معقولات ثانیه به کار می‌رود و اعتباری که در آن بحث مدنظر خودشان است تفکیک می‌کنند که می‌گویند: اعتباریات عملی است که یک

موجود دارد. علم و اراده می خواهد عملی را انجام دهد و فعل اختیاری را انجام دهد اما آنجا احتیاج است که چیزی را اعتبار کند و ادراک اعتباری بسازد.
مراتب مختلف اعتبار

مصباح بیان کرد: ظاهر این بحث ها این است که اعتبار معانی مختلفی دارد و بدون ارتباط با هم هستند و باید مراقب بود که خلط نشوند. در یک مقام درست است و اشاره ای که استاد مصباح در این اواخر فرمودند این بود که به نظر می رسد اعتبار مراتب مختلفی دارد، نه اینکه بگوییم اینها معانی جدایی هستند. ما مراتب مختلفی از اعتبار داریم. البته در برخی جاها به این مطلب اشاره فرموده اند؛ مثلاً وقتی معقولات ثانیه را مطرح می کنند، منظور از اینها «ما لیست باولی» است؛ یعنی هر چیزی که معقول اول نیست. اما ممکن است اعتباری روی اعتبار داشته باشد و معقول ثالثه و رابعه باشد اما به همه اینها معقولات ثانیه می گویند و برخی مفاهیم را به معقولات ثانیه ملحق می کنند، از این باب که همین مفهوم ماهوی نیست. ظاهر فرمایش استاد این است که خیر، گویا ما ابتدا باید مفاهیم را به مفاهیم حقیقی و اعتباری تقسیم کنیم؛ یعنی اعتبارات عملی و بعد مفاهیم نیز به مواردی تقسیم می شود.